

تبصره يی بر کتاب انگور ، تالیف علی محمد کزلی

چندی قبل ، یک دوست و یک خدمتگار صادق وطن، جناب علی محمد کزلی، که در امریکا زندگی میکند، یک جلد کتاب خود را تحت عنوان «انگور» برایم فرستادند تا من آنرا مطالعه کنم و در موردش نظر را بنویسم. من متأسفانه بنابر مشغله های فرهنگی و نیز کسالت صحتی نتوانستم زود تر کتاب را بخوانم و در موردش نظر و برداشت خود را بنویسم، ولی اکنون که فرصتی برای ابراز نظر در مورد این اثر برایم فراهم شده ، میخواهم بگویم که کتاب مذکور در ۱۴۰ صفحه با قطع (A پنج) از سوی انجمن نشراتی «علامه رشاد خیرندوی تولنه/کندهار» در سال ۲۰۰۸ به تیراژ پنجم نسخه به چاپ رسیده است. کتاب با یاد داشت اداره نشراتی علامه رشاد، تحت ۳۲ عنوان از قبیل:

«۱-پیل، ۲-دانگوروتاریخچه، ۳- دانگوروتاک، ۴- آب وهوا یا اقلیم، ۵- موقعیت، ۶- خاوره، ۷- دانگورو ددولو خونبول، ۸- تاک دیرول (تکثر)، ۹- پیوند، ۱۰- للمی اوای (ابی) انگور ایشول، ۱۱- دین ایشول، ۱۲- تاک روزل اوبنه و رکول، ۱۳- تاکبیری اوبنه و رکولو ترمنخ توپیر، ۱۴- تاکبیری، ۱۵- تاکبیری مقدار یا اندازه، ۱۶- تاکبیری دولونه، ۱۷- پوجی، ۱۸- اگر و تخنیک، ۱۹- کود اوسره، ۲۰- خروبول یا اوبه کول، ۲۱- دشلولیا مضرو وینولیری کول، ۲۲- دباغداری میکابیزه کول، ۲۳- خزندی اوانروغی، ۲۴- خزندی، ۲۵- ناروغی، ۲۶- دانگوروتولول، ۲۷- دانگوروسائل، ۲۸- دانگور وچول، ۲۹- کیمیاوی لاری چاری، ۳۰- دانگور وچول په دبانندیوهیوادوکی، ۳۱- دکشمشی انگور وچول په استرالیایکی، ۳۲- د انگورو مرکبات یا جور بنت.» همراه با رسم ها و جدول ها و اشکال مدرن سازی تاکستانها، با ادبیات شیرین پشتوی قندهاری به نگارش آمده است.

موضوع کتاب ، چنانکه از نامش معلوم است ، انگور، یکی از میوه جات لذیذ وطن ماست. و مضمون این کتاب مثل دانه های انگور لعل یا انگور حسینی و یا انگور شندو خانی قندهار لذت آور و نیرو بخش است که از طرف یک متخصص و یک تحصیل یافته در رشته میوه جات و بخصوص انگور، به شیوه علمی و اکادمیک از روی منابع علمی در زبانهای انگلیسی و فارسی و پشتو تحقیق شده و نگارش یافته است و روشهای علمی و تخنیکی ترویج انگور و راه های انکشاف و توسعه آن و چگونگی جلوگیری از امراض نباتی را بصورت علمی و فنی مورد بررسی و تحقیق قرار داده اند.

در میان محصولات سردرختی یعنی میوه جات ، انگور، یکی از خوشمزه ترین و لذت آورترین میوه جات بشمار میرود که در افغانستان انواع مختلف دارد و بنابر شهادت عروسی سمرقندی و کتاب ارشادالزراعه ابونصر هروی (تالیف در قرن نهم هجری) ۱۲۰ نوع انگور تنها در هرات یافت میشد و شاید اکنون هم یافت شوند، در ولایات قندهار و پروان نیز انواع آن ممکن است کمتر از انواع انگور هرات نباشد. انگور هم تازه خورده میشود و هم خشک شده و بحدی کشمش در ایامی که انگور تازه یافت نشود، از آن در محافل خوشی و میهمانی ها استفاده میکنند. علاوه انگور و بخصوص کشمش یکی از اقلام صادراتی کشور است که سالانه به هزاران تن آن بوسیله تاجران کشور به خارج و بخصوص به هندوستان و روسیه فدراتیف صادر میشود و از این مدرک میلوینها دالراسعار به کشور وارد میگردد.

با در نظر داشت منافع اقتصادی چشم گیری که از ناحیه میوه جات و بخصوص میوه انگور نصیب مردم ما میشود و برای تقویت بنیه اقتصادی مردم و دولت نقش بسیار موثر دارد، بنابرین وظیفه دولت و مسولان وزارت زراعت و آبیاری است تا توجه خود را به بهبود وضعیت تاکستانها و باغداری در کشور معطوف کند و بخاطر ترویج بیشتر باغداری و حفاظت تاکستانها در کشور، دهقانان و باغداران را مورد حمایت همه جانبه خود قرار بدهد و در موقع لازم به دهقانان از لحاظ تهیه آب و کود کیمیاوی و ادویه جات ضد آفات و امراض نباتی با باغداران کشور کمک های موثر نماید. تا باغداران بادلگرمی بیشتر به ترویج و توسعه باغات خویش بپردازند و محصولات دسترنج خود را به قیمت مناسب به هموطنان عرضه نمایند و همچنان مقدار اضافی را به خارج صادر نمایند. بدون شبهه ایجاد کوپراتیف های دهقانی و ترویج زراعت میکابیزه و مدرن در کشور یکی از راه های توسعه و انکشاف تولیدات زراعتی و کمک به دهقانان و باغداران است.

در کشوری که بیش از ۷۰ فیصد مردم آن بیسواد و شغل اساسی این مردم زراعت و باغداری (و در عهده حکومت کزلی رونق کشت مواد مخدر) است، و اکثریت مردم از این طریق امرار معاش میکنند، متأسفانه به دلیل عدم امکانات ترویج کشت میکابیزه در کشور، میزان تولیدات زراعتی، چه سردرختی (میوه جات) و چه زیردرختی (غله جات) در سطح

نازلی قرار دارد که تکافوی نیازمندی مردم را به موادغذائی نمیکند و به همین دلیل بسیاری از مردم کشور هر ساله با قحط و گرسنگی دست و گریبان اند و بنا بر گزارش های رسانه های جمعی تقریباً ۴۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی میکنند، که اگر کمک های جامعه جهانی از طریق سازمان خوراکه و زراعت ملل متحد به مردم فقیر و بیچاره افغانستان در ولایات شمال شرقی و مرکزی نرسد، هر سال ممکن است یک فاجعه انسانی در افغانستان رخ دهد و هزاران انسان بیچاره و بی روزگار را به کام مرگ بفرستد. در طی سالیانی که حتی جامعه جهانی کمر به کمک به مردم افغانستان بسته و میلیاردها دلار به این کشور سرازیر شده، مگر باز هم کدام بهبودی در وضعیت زندگی مردم فقیر مشاهده نمیرسد و بسیاری از مردم مجبور شده و میشوند تا جگرگوشه های خود را در بدل پول ناچیزی بفروشند و با آن پول بقیه اعضای خانواده را از مرگ نجات بدهند.

احتمال دارد که برخی خانواده های فقیر فرزندان جوان خود را برای گرفتن پول به صف طالبان بفرستند تا از این مدرک خود را اعاشه کنند. طالبان نیز از وجود این جوانان حتی المقدور در عملیات های انتحاری استفاده میکنند، اعتراضات برخی از انتحاریان دستگیر شده از سوی نیروهای امنیتی کشور بیانگراین وضعیت اسفبار است. خلاصه اگر دولت افغانستان به حال زراعت و بالا بردن سطح تولیدات زراعتی توجه مسئولانه نکند، مشکل کمبود غذا در کشور تا سالیان دراز ادامه خواهد یافت.

* * *

از آنجائی که نگارنده این سطور با مولف کتاب، جناب علی محمدکری، مدت تقریباً چهار سال در وزارت زراعت و آبیاری، در عهد جمهوریت داودخان همکار و محشور بوده ام و وی را از نزدیک می شناسم، بد نخواهد بود تا در مورد نویسنده نیز نکاتی بیان کنم تا خواننده بیشتر با وی معرفت حاصل کند.

علی محمدکری، اصلاً از قندهار، و متعلق به یک خانواده سرشناس (حاجی اختر محمدخان پولیزی) در "قریه کرز" و لسوالی پند، می باشد و به همین جهت این خانواده "کرزی" تخلص میکنند. نامبرده پس از سن هفت سالگی در مکتب ابتدائی سردار جمال خان بارکزی شامل میگردد و سپس در لیسه احمدشاهی قندهار شمال و تاسف صنف ۱۲ یکی از شاگردان با استعدادی بود که دوره بکولوریا را بدرجه اول به اتمام رساند و پس از آن شامل پوهنتون کابل گردید و از طرف پوهنتون در رشته زراعت برای تحصیلات عالی به امریکا فرستاده شد و در امریکا در رشته میوه جات تحصیلاتش را ادامه داد و بعد از تکمیل دوره تحصیل در این رشته، موفقانه بوطن عودت نموده و در مربوطات وزارت زراعت و آبیاری، شامل کار و بحیث مدیر عمومی زراعت در ولایت ننگرهار مقرر گردید. پس از یک دوره خدمت در ننگرهار به مرکز وزارت بحیث مدیر عمومی خاک شناسی تبدیل شد و بعد بحیث مدیر عمومی زراعت در ولایت قندهار و از آن پس بحیث آمرتخنیکی امور زراعت در ولایات اروزگان و زابل و فراه و نیمروز در حوزه جنوب غرب کشور و وظایفش را در کمال صداقت و میهن دوستی بسر رسانده و بعد از آن بحیث رئیس آبیاری در مرکز وزارت مقرر شد و مدتی هم مسئولیت حفظ و قرنطین نباتات را در آن وزارت بدوش داشت و در دوره جمهوریت داودخان مدت پنج سال بحیث رئیس حفاظة نباتات در وزارت زراعت و آبیاری خدمت نمود.

در همین مدت، من نیز از ریاست وادی هلمند به وزارت زراعت رجوع کردم و بعد از سرگردانی های زیاد در آن وزارت بحیث مدیر اجرایی در زیر دست وی گماشته شدم. شناخت و همکاری من با علی محمدکری از ماه قوس سال ۱۳۵۳ شروع شد و تا کودتای ثور ادامه یافت و با کودتای ثور هر یکی از ما بگوشه بی پناه بردیم. اما اخلاص و ارادت من نسبت به وی هیچوقت کم نشده است.

در مورد کرکتر، اخلاق و شیوه مدیریت و برخورد وی با زیردستان و همکاران باید بگویم که وی دارای شخصیت عالی، مناعت نفس و برخورد احترام کارانه با زیردستانش بود. او از برجسته ترین و موفق ترین رئیسان وزارت زراعت بود و امور ریاست حفاظة نباتات و مبارزه با آفات و امراض نباتی را با کمال شجاعت و توانائی رهبری اداره میکرد. نه تنها در گرفتن بورس های تحصیلی به کارمندان ریاست خود از سایر ریاست های پیشگام بود، بلکه در ترتیب و تنظیم تشکیل و بودیجه ریاست خود نیز کوشا و موفق ترین رئیس بشمار میرفت. کرزی چون شخص پاک نفس بود و به عمران و سرسبزی و ترقی وطن خود سخت علاقمندی داشت، بنابراین در تربیت کادر های مسلکی در بخش حفاظة نباتات و مبارزه با امراض و آفات نباتی توجه بسیار بکار می بست و اشخاص فعال و زحمت کش را در این رشته مورد تقدیر و تحسین قرار میداد و به بورس های تحصیلی بخارج میفرستاد.

کرزی از نقطه نظر سیاسی و ایدئولوژیک با کدام سازمان و جریان سیاسی چپ یا راست ارتباط نداشت و شخصیت مستقل و پرغرور داشت و از کسانی که صاحب استقلال فکری و دارای احساسات وطن دوستی بودند، حمایتش را از وی دریغ نمیکرد. در حالی که هیچگونه تعصب زبانی و مذهبی نداشت، پایبندی به ارزش ها و عنعنات ملی و شئون افغانستان، یکی

از خصوصیات حیات وی بود، و این خصوصیات برایش وزن و وقار و حیثیت خاصی در میان زيردستان خودش و کارمندان ارشد وزارت زراعت بخشیده بود.

من که بیشتر از زيردستان مسلکی باوی، سروکار داشتم، در فرصتهای فراغت برایم حکایات بسیاری از تجارب کاری خود با وزیران زراعت و رئیسان بخش زراعت و همکارانش در ایام ماموریت خود میکرد که نه تنها برایم آموزنده بود، بلکه این حکایات را چنان با شیرین کلامی بزبان پشتوبیان مینمود که مرا محظوظ میساخت و از شنیدن آن حکایات خسته و یا دلتنگ نمیشدم. در عرصه سیاست و مملکت داری در افغانستان نیز وی شخص پرمعلوماتی بود و از بزرگان ملی ویا قومی واز مشکلاتی که آنها با آن روبرو شده ویا تحمل وبردباری از این مشکلات موفقانه بیرون آمده بودند نیز داستانهای بسیاری بخاطر داشت و میگفت که برای من بسیار دلچسپ و حیرت انگیز بود.

به هرحال من وی را یکی از عناصر وطن پرستی میدانم که وجودش برای وزارت زراعت و آبیاری افغانستان در وقت وزمانش بسیار سودمند و مفید تمام شده است، ولی متأسفانه که وی اکنون با تن بیمار و مریض دور از وطن در امریکا زندگی و گاه گاهی با من تلفونی صحبت میکند واز وطن و روزگاران گذشته که وطن از امنیت و صلح سرتاسری برخوردار بود سخن میگوید واز اینکه در رهبری این کشور، آدمی کم جرئت و کم درایتی چون حامد کرزی، قرار گرفته است، اظهار تاسف میکند.

در پایان طول عمرو صحت کامل برای مولف از خداوند آرزو میکنم و مطالعه این کتاب را به باغداران کشور و کارمندان امور زراعت توصیه مینمایم. پایان ۶/۱۱/۲۰۱۰